

فارسی پنجم

درس اول:

حالت های کلمه

@ هم خانواده: دو دسته اند:

الف) هم خانواده ی فارسی: به واژه هایی گفته می شود که یک کلمه در آن ها مشترک باشد.
مثال: گل، گلدان، گلبرگ، گلزار، گلستان، گل فروش، گلخانه. (واژه ی گل در آن ها تکرار شده است.)

ب) هم خانواده های عربی: به واژه هایی گفته می شود که ریشه ی مشترک داشته باشند، یعنی سه حرف اصلی آن ها به ترتیب در آن واژه ها تکرار شده باشد.

مثال: صادق، تصدیق، صدق، مصدق، صدیقه، صدقه. (حروف مشترک: ص، د، ق)

@ مترادف (هم معنی): به واژه هایی می گویند که با یک دیگر هم معنی هستند. مانند:

عظیم: بزرگ آز: حرص، طمع شبان: چوپان گستاخی: جسارت
نکته: بعضی از واژه های مترادف را نمی توانیم در جمله به جای هم به کار ببریم، مثال: دراز، بلند، طولانی، که هر کدام در جمله ی خاصی به کار می رود.
هیچ گاه نمی توانیم بگوییم «قد محمد طولانی است یا جاده بلند است.»

@ متضاد (مخالف): به واژه هایی می گویند که از نظر معنی مخالف یکدیگر هستند.

مانند: کوتاه بلند، آسان دشوار، مایوس امیدوار، عادل ظالم

@ متشابه (هم آوا): واژه هایی که در تلفظ یکسان هستند اما در املا و معنی با هم تفاوت

دارند.

مثال: اساس، اثاث - خان، خوان - صواب، ثواب - ارض، ارز، عرض - سیف، صیف

خاست ، خواست - رازی ، راضی - حیات ، حیاط - خوار ، خار -

@ **متناسب** : واژه هایی که به نوعی با یکدیگر تناسب دارند. مانند :

آتشفشان، زلزله، سیل، طوفان / سعدی، حافظ، مولانا، عطار / شب، تاریکی، ستاره، ماه

نکته های دستوری:

منادا : به کلمه یا اسمی که مورد خطاب قرار می گیرد، منادا می گویند. مثال:

یار شو، ای مونس غمخوارگان چاره کن، ای چاره ی بیچارگان

شاعر خداوند را مورد خطاب قرار داده است و صدا زده است.

ندا : کلمه های « ای ، یا » وقتی قبل از اسم می آیند و « ا » که بعد از اسم می آید، نشانه ی «

ندا» هستند. مثال : ای خدا، ای فضل تو حاجت روا - سعدیا، مرد نکو نام نمیرد هرگز

نکته ها :

۱- گاهی منادا حذف می شود ولی نشانه ی ندا هست و ما از روی مفهوم جمله به منادا پی می بریم. مثال : ای همه هستی ز تو پیدا شده ← منادا خداوند است که نیامده است.

۲- گاهی نشانه ی ندا حذف شده و منادا بدون حرف ندا می آید که با توجه به آهنگ و لحن صدا مشخص می شود. به من آهسته مادر گفت : فرزند ← ای فرزند

۳- پس از منادا معمولاً از نشانه ی «!» یا «،» استفاده می شود.

خدایا، به ما مهربانی بده ای آدم ! دانا و باهوش باش.

تشخیص (جان بخشی به اشیا) : دادن صفات و حالات انسانی به غیر انسان را « جان

بخشی» یا «تشخیص» می گویند. مثال:

گل بخندد بر سر گل بوته ها ← خندیدن حالت انسان است که به گل نسبت داده شده است.